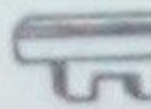


ی کابل

شماره (۷۰)

شماره مسلسل (۳۹۲)



سرطان ۱۴۸۸ هجری شمسی مطابق ۲۷ رجب المرجب ۱۴۳۰ هـ ق | ۲۰ جولای ۲۰۰۹

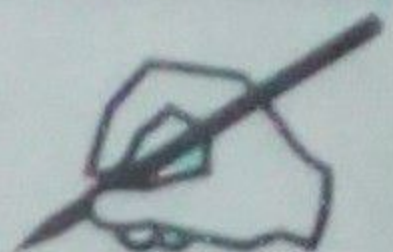
شاروال کابل :

لوچه های جاده های که نامگذاری گردیده است

در آینده نزدیک تهیه و نصب میگردد

جلسه نوبتی کمیسیون نامگذاری جاده های شهر و اماکن مقدسه

بریاست وزیر اطلاعات و فرهنگ به شرکت اعضای آن



سر مقاله

نامگذاری جاده ها از هر حیث

در خور اهمیت است

نام گذاری جاده ها ، اماکن مقدسه ، پروژه های رهاپشی و کوچه ها از هر حیث در خور اهمیت است ، روی این اصل کمیونی در زمینه توظیف گردیده تا در این راستا خدمتی به شهریان انجام دهند.

این کمیون که روز شنبه جلسه نوبتی اش را تشکیل داد پیرامون نامگذاری جاده و پروژه ها بنام های شخصیت های سیاسی ، فرهنگی و علمی کشور بحث کردند.

در گذشته ها درین زمینه بسیار بایی تفاوتی عمل شد و تعدادی از جاده ها بجای اینکه به نام شخصیت های افغانی نامگذاری شود بنام های قهرمانان کشور های دیگر جهان نامگذاری گردیده بود، در حالیکه افغانستان بی شمار شخصیت های سیاسی ، علمی و فرهنگی دارد.

نام گذاری جاده ها و پروژه ها سهولت های فراوانی را در پی دارد، برای دریافت پروژه و منارل مردم سر گردان و هر اسان نمیشاند اگر شخصی از کشور دیگری هم وارد شود بداشتن آدرس دقیق در کمترین وقت بدون تکلیف میتواند آدرس را در یابد در غیر آن شاید بدون به اصطلاح راه بلد این کار دشوار باشد.

تفاضل بر این است تا مطابق فیصله قبلی این کمیون از نامگذاری جاده ها و پروژه بنام های خارجی خوداری صورت گیرد البته باین کار از یکطرف در آینده اولاد وطن شخصیت ها را فراموش نکرده و نام شان در سینه ها جاودان می باشد و از تاریخ خود آگاهی داشته میباشند از جانی سهولت در یافت آدرس ها را باعث میشود که به توجه کمیون نامگذاری جاده ها و اماکن مقدسه نیاز است تا با دلسوزی تام در اینمورد اجراء نمایند.

دیناری فرهنگ په بیا راژوندي کولوکې د رسنیو ونډه

ناصری

په کوم ښار کې چې دیناري فرهنگ کمزوري او یا خو هېڅ نه وي هلته کې ، گڼوډي ، چېل سري ، بي نظمي ، ناولتيا ، ککړتيا ، دښاري قانون تر پښولاندي کول او دانسي ورته نوري ستونزي چېلې وروستي کچې ته رسېدلي وي ، چې په پایله کې دولت او اړوندي ادارې نه ستونزو او خپلویو سره مخ وي .

کابل ښار چې دهیواد پلازمینه ده نن له هغو ښارونو څخه شمیرل کېږي کوم چې د ښاري فرهنگ تفر ترینه ټول شوي که دغه ښارته خیر شو ، نو و به گورو چې هرې حواته ، بی نظمي ، گڼوډي ، چېل سري ، ککړتیا او قانون ته نه درناوي نه ورايه ښکاري . دښار ډیر شمیر سیمې ، واپونه پلي لاري او دانسي نور ، د گرځنده پلورونکو په ونکه کې پریو ئي او دښار څیره بی هسي لانوره هم بدلنگه کېږي . کومې ستونزي چې دښار په کچه را منځته شوي بسوازیني لامل بی دخلکو دښاري فرهنگ کمزورتیا ده . نن ورځ په دي وړوکي ښار کې د پنځو میلیونو په شاو خواکي و گڼې ژوند کوي ، که چیري دهر وگڼې نه خوا یوه وړوکي ستونزه دښار په وړاندي را بر سره شي سو و به گورو چې په ورځ کې لږ تر لږه پنځه میلیونه لوي او وړوکي ستونزي سرراپورته کوي .

بانی ۷ مخ

چرا پارک ها در گرو معتادین در آمده است ؟

معتادین باید مورد بازپرسی قرار گرفته مجازات شوند

سگرت ، پلاستیک باب و مواد اضافی خوراکی و میوه جات را جمع آوری مینمودند از هر سو دود مواد نشه آور بر خاسته ویوی چرس به مشام خیرنگاران که جهت انعکاس کار حشر مصروف بودند میرسید و هر یک در قبال این موضوع باتسم می گذشتن هیچ کس خود را مسوول نمیداست این در حالیست که شاروالی کابل جهت فراهم آوری تسهیلات تفریحی به همشریان هزار ها نهال را غرس نمود تا باشد شهریان عزیز با آسوده حالی از ین تفریحگاه و پارک ها استفاده درست نموده باشد که در تصفیه هوا هم رول بسزایی دارد ، اما حال که دیده میشود از یکطرف فضای پارک ها و تفریحگاه با استعمال مواد مخدر برهم زده میشود و از سوی باعث ارار و اذیت مردم میشوند .

مضر تمام شده واز جانی برای کسانیکه تازه به این شهر وارد شده اند وهمچنان برای سیلابیان و خارجی ها تعجب آور خواهد بود که چگونه در مرکز شهر و پایتخت معتادین به شکل آزادانه دست به اعتیاد میزند و حالبتر از همه مسولین و اناتیکه مسوولیت دستگیری معتادین را دارند گاهی در قطار معتادین دیده میشوند که این خود لکه ننگ و عمل ناحشودنی است .

در حشر عمومی روز پنجشنبه در حالیکه مسولین بلند پایه دولتی مصروف پاک کاری پارک زرنگار بودند و بدستان خود قطعی های

درین شکی نیست که با گذشت هر روز تعداد معتادین در سطح کشور با وجود مبارزه شدید علیه مواد مخدر بیشتر میشود و شهر کابل بخصوص تفریحگاه و پارک در گرو آنها در آمده است و طور آزادانه به اعمال بد اعتیاد میادرت ورزیده و فضای پارک ها وتفریحگاه را از هر حیث آلوده می سازند ، از یکسو دود چرس و پودر برای صحت آنهایکه از ین پارک منظور رفع خستگی استفاده مینمایند



پرسیده میشود که چی کسانی مسوولیت جمع آوری و تداوی معتادین را بدوش دارد؟ باید پارک ها و تفریحگاه را از گرو شه بان و متلایان مواد مخدر هابیده و مسوولیت خویش را در مقابل مردم ادا نماییم

فال بینی خطر ناک شده است

اطفال تان را از شر فالین ها و چوری فروشها در امان داشته باشید!

به بهانه چوری فروشی و فال بیی داخل منازل شده و بااستفاده از فرصت اطفال را اختطاف مینمودند که با الفعل دستگیر شده اند .

بنأ لازم است تا همشریان ما مواظب اطفال شان بوده باشند تا در دام ابگونه چوری فروش ها و فال بین ها نه افتیده

الطاف باشد

اختطاف و گروگان گیری از دو دهه بدینسو در شهر و ولایات افغانستان مردم را در وحشت انداخته است ، تعدادی را به منظور بدست آوردن پول اختطاف مینمایند و ربایدن اطفال در سانهای قبل به مفسد دیگری انجام می شد ، کشیدن چشم ها و گرده های اطفال که تا حال به صورت درست آن معلوم نیست که هدف قاچاق اعضای بدن اطفال به چی منظور انجام می یافت ، همچنان سال گذشته چند مواردی دیگری دیده شد که اطفال را از ناحیه گلوبریده به قتل رسانیده بودند چنانچه خانمی به همین اتهام در مربوطات ناحیه هشتم دستگیر شد .

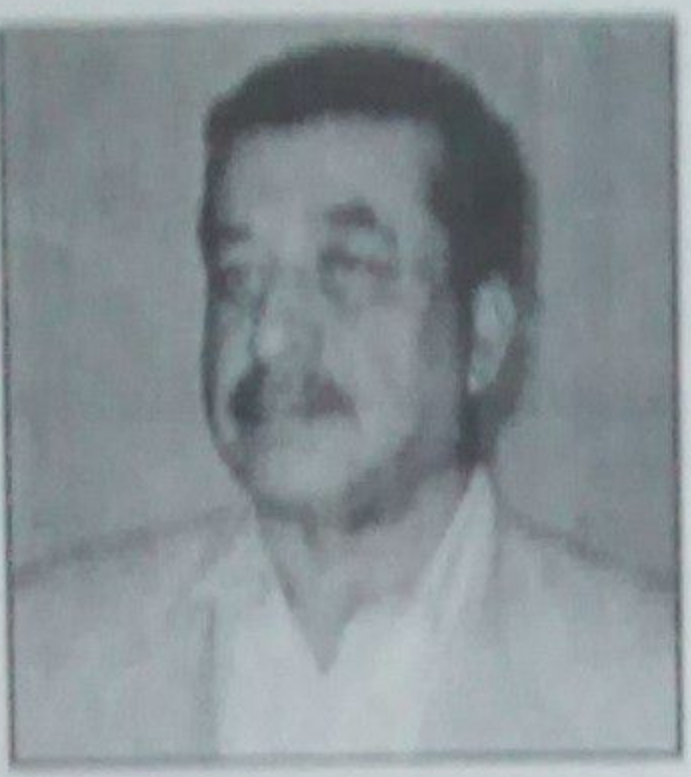
آدم ربایان و اختطاف چیان در آغاز سال جاری و در ماه های اخیر سال گذشته در حدی فعالیت شان زیاد شده بود که هر یک از شهریان ما بخصوص سر مایه داران و متمولین احساس نا امنی میکردند و تعدادی حتی حاضر نبودند که اطفال شان به مکتب برود ، اما در ماه های اخیر سطح آدم ربایی کاهش یافته از گانهای امنیتی ما



صدای همشهری

مال گدام ها عنقریب از داخل شهر انتقال می گردد

رامند صابر



ریاست تنظیم مارکیتها وظیفه عرضه بهتر خدمات شهری را به شهریان دارد، اینکه در کدام زمینه ها مصروف فعالیت است خبرنگار پامیر در مورد گفت و شنودی را با محترم خیرمحمد صفدری رئیس تنظیم

متخلف طبق لایحه جرایم که از مقررات شاروالی کابل سرباز می زنند، جلوگیری از فروش گوشت در کراچی های سیار بروی جاده های عمومی، کنترل از موجودیت جواز و اجازه فعالیت دکان های اصناف و غیره امورات مربوطه.

۲- مدیریت اصناف: توزیع اجازه فعالیت برای اصناف شهر، بررسی و کنترل از هتل ها، دست فروشی بخاطر رعایت مقررات و اخذ اجازه فعالیت احصایه گیری دقیق اصناف شهر.

۳- مدیریت تجارت شهری: کنترل از کیفیت مواد خوراکی و استهلاکی در بخش های عمده فروشی و ذخیره گاه های تجاری، کنترل استاندارد بودن وزن بوری های آرد و سرنج که از کشور های خارجی وارد میگردد، تنظیم مارکیت ها و ایجاد مارکیت های بازار بخاطر تنظیم دست فروشان، احصایه گیری دقیق از عموم مارکیت های شهر کابل.

ادامه صفحه ۷

نیمه روز بود، با استفاده از بس شهری ملی بس روانه خانه بوم، در بس چند تا آدمهای که ابزار کار در دست داشتند و فهمیده میشد که گلکار و یا مرد کار باشد، نیز سوار موتر بودند و در یک ردیف جوکی نشسته بودند، یکی از آنها گفت: خدا روزی رسان اس، اگر کار غربی پیدا نشد، اما صاحب یک

ی هم به اصطلاح در شاخ آهو، اما طرف دیگر آنهایی که به یک شکم نان دست میابند، از خوشی و سرور دست از پانسی شاستند و در لباس هم نمی گجند.

من که در ایستگاه مورد نظر رسیده بوم، توانستم سخنان آن مرد چیز فهم و روزگار دیده را تا پایان بشنوم. و از سرویس پایین شدم.



شکم نان شدیم، حالی جایشه

باز دریای کابل جاروب کشی شد!

... و سازهم انوهی از کارگران تحشد و زیبایی شهر را دو چندان تطبیف شاروالی به دریای شهر سرازیر شدند. تا کثافات، اشعالی دریاها ی مصنوعی و کوه های هاو باطله های را که در ستر دریا پرت شده اند جاروب بکشند و دریا را از آلوده گی ها رهایی بخشد.

این بار نخست نیست که دریای کابل جاروب کشیده میشه و دامن آن را از آلوده گی ها پاک میسازند. بل هر از گاهی که دریای شهر ریزر الوده گی ها رنگ میبارد و پرسش هایی به میان میاید، توسط عمله رعایت نظافت هم از دست ما رفته است. شما ببینید دو کانداران، پیشه وران و دست فروشان همه زباله های شان را در این دریا می ریزند، و امروز دریای کابل زباله

شکم نان شدیم، حالی جایشه پیدا کردیم، اگر کار پیدا کردیم خو آزیس چه بهتر! اگر نشد، شکم گرسنه خونمی آیم، تا وقتی که ای کمپاین ها ادامه داشته باشد، چاره شکم ما میشه!

دیگرش گفت: چند روز در یک کمپاین دگه رفتم، اونجه هم ناش خوب بود، غرب و غره بیکار و شکم گرسنه همه میامدن و نان میخوردن و میرفتن!

سومی گفت: از شما چه پنهان که شناس برابر آمد، پلاستیک ده حیم بود، چند خوراک نان ره در امی پلاستیک انداختیم، بعد از چند هفته امشو اولاد هایم گوشت و بلو میخورن! او یا اشاره انگشت خریطه پلاستیک را که در دهلیز موتر پهلوی جوکی قایم کرده بود به همراهش نشان میداد،

موتر ما می میدان و طی میدان و آهسته آهسته از میان راه ندان ها راه باز میکرد و به صوب مقصد در حرکت بودیم، دقایق طولانی را که من در موتر بوم و صحت های آنها را می شنیدم، همه قصه نان بود، قصه پر کردن شکم!

مرد چیز فهمی که صحبت های آن ها را می شنید، گفت: چنین است تفاوت های اقتصادی در کشور ما، یکی به خاطر کمپاین تبلیغاتی خود میلیونها افغانی را مصرف می کند و مردم را نان میدهند، و بیروز

گذری در شهر

دانی نام گرفته است، چرا اینقدر بی تفاوتی و بی مسولیتی؟ شما ببینید گوشه های دریا را تکه های اضافی خیاطان، بوتل های نوشابه، پلاستیک و ترکاری های پوسیده پر کرده است، در حالی که در نزدیکترین محل زباله دانی های سیار و ثابت از سوی شاروالی نصب شده است.

این عمله تطبیف چه گاهی را مرتکب شده اند که همه روزه بارسنگین بی تفاوتی ها و بی پروایی های شهریان را بر دوش بکشند؟

اگر همین کثافات و مواد اضافی و زباله ها را در دریا نیندازیم، چه نیاز است که عمله تطبیف دست و آستین بر بزنند و با هزار دشواری کثافات را جمع اوری و به خارج شهر انتقال دهند؟

نمیدانم در کدام فکر و اندیشه فرورفته بوم، اما اینقدر میدانم که با گامهای تند به سوی دفتر روان بوم، صدای افتیدن چیزی رشته خیالم را برید، به عقب نگاه کردم، مردی روی زمین خسیده بود، و چند تا جوان میخواست او را بلند کنند، مرد می نالید و نمیدانست کجایش درد می کند، انسو تر تنگ کيله فروش ایستاده بود، کيله فروش نیز سات و مهوت و رنگ پریده، هوا و هوش پرت شده و خجالت زده معلوم می شد حالت سراسیمه او، نشان میداد که دست او در قضیه افتیدن مرد دخیل باشد، مرد مغلوب! که به کمک دو تاجوان روی پاشده بود، در حالی که با چشمان از حدقه برآمده به سوی کيله فروش نگاه میکرد گفت: امی کار از کدن اس، آیا انداختن پوست کيله در راه عام کار درست اس، کيله فروش که از خجالت چشماش از زمین کنده نمیشد، سکوت کرده بود،

مرد مضرر که درک کرده بود، بلا بود و برکتش نی ابا چند نصیحت کيله فروش را متوجه مسولیت و مکلفیت اش در قال رعایت آداب و نظافت شهری کرده و آهسته آهسته بی کارش رفت.

معلوم نیست که روزانه چه تعداد از شهریان ما در تماس با پوست کيله نقش زمین می گردند و آسیب می بینند.

هر گاه نگاه دقیق و حساسی بر فعالیت پیشه وران در شهر داشته باشیم، بسیاری از آنها هیچگاهی خود را مکلف در نظافت شهر ندانسته بلکه باعث آلوده گی و کثیف شدن ساحه کار و فعالیت شان نیز میگرددند، هر گاه نگاه نان را به آبرو مقابل دوکان پیشه وری روا بدارید، در میاید که جویچه اباشته از مواد اضافی و اشعالی هایی است که از جویبار لطف! پیشه وران آب میخورد.

با اینحال اگر کيله فروش پوست کيله را روی سرک بیندارد و دو کاندار و کراچی بان و تنگی مواد اضافی را در جویچه ها بریزند و هر کدام ما در نحوی در ناپاکی شهر دست داشته باشیم، آیا میتوان این شهر را پاک نگهداشت؟ چه کسی باید پاسخ دهد؟ اگر مسوول شاروالی را بدانیم، پس مکلفیت های ما چه است؟

حادث



سیل هم سیل است، سرگردانی هم!

طرح داستانی:

شهروند

محبوبه مانند سایر خواهر خوانده هایش چنین اوتو کرده گی خود را پوشید: آرایش سروصورتش را دو باره از نظر گذرانید، با اطمینان دستکولش را گرفت و در سرویسی که کنار دروازه ایستاده بود، بالا شد، موتر پر بود از همه و سرو صدای وجد آمیز و خنده های بلند، محبوبه در یکی از چوکی های بس کنار خواهر خوانده همیشگی اش که قصه های جالب و حیا سوزی میکرد نشست، هر دو خوشحال و سر حال بودند، محبوبه بی محابا از خواهر خوانده اش که آرایش غلیظی کرده بود، پرسید: تو نفهمیدی که نماینده کاندیداتور در باره مقدار پولی که باید برای ما میدهند چه گفت: زن در حالی که اینه را در دست داشت و لبش را تازه میکرد، اظهار بیخبری کرد. زن چاق و چله بی که در عقب درپور نشسته بود، از جایش نیم خیز شده بلند صدا کرد، او دختر! میفامین قف دست مه میخاره، معلوم میشود که کاندیداتور به هر کدام ما صد صد دالر خواهد داد! همه با شور و هیجان و خنده گفته های زن چاق را استقبال کردند. یکزن دیگر با صدای بلند همه را متوجه ساخته پرسید: آنگه راستی برای ما صد صد دالر بدهد، همه ما باید برایش رای بدهیم، هر کس رای ندهد الای شویکش ببرد، همه خندیدند، درپوراز زن چاق و قد بلندی که در دهن دروازه ایستاده بود، خواست که موتر حرکت میکند...

زن چاق و قد بلند صدا کرد: زود شوین که موتر حرکت میکند، هر کی از موتر ماند و اجانش حاضری سایش قیت میشه! باز گله نکه! چند نفر پس و پیش با شتاب به موتر بالا شدند، ساعتی بعد در گوشه شهر

انتخابات و دید گاه های شهریان

شهریان

با گذشت هر دقیقه و هر ساعت و هر روز فاصله مان با روز برگزاری انتخابات نیز کوتاه تر میشود، کاندیدان با راه اندازی کمپاین های تبلیغاتی از وعده و وعید شان سخن میگویند و مردم نیز محتاطانه در جستجوی کاندید مورد نظر شان اند تا رای شان رایگان از دست نرود. گزارشگر پامیر نظریک تن از شهریان را در رابطه به انتخابات و گزینش رییس جمهور یادداشت کرده است که تقدیم میشود:

پارمحمد که در چوک دهمزنگ منتظر کار نشسته است میگوید: من فکر میکنم که پیدا کردن کار به بیکاران سرخ تمام مشکلات جامعه ما است، هر گاه بیکاری از بین برود، گرسنه گی، فقر، بی خانگی، بی دوائی، بی روزگاری و ده ها معایب و مصایب اجتماعی نیز از میان

برداشته میشود. هر گاه ما صاحب کار شویم وطن مانیز به سرعت آباد میشود. من از کشور همسایه برگشته ام، من شاهد بودم که در ظرف چند سال، آن کشور به زور بازوی افغانها آباد شد و حالا با کشورهای پیشرفته جهان همسری می کند، حالا اگر برای ما فرصت های شغلی آماده شود، و سکتور خصوصی بیشتر تشویق گردند تا در کار های زیر ساختی و زیر بنایی جامعه سرمایه گزاری کنند، هم بیکاری از بین میرود، هم بدامنی و هم بسیار مشکلات دیگر اجتماعی و اقتصادی مردم. من صنف ۱۲ را به پایان آورده ام، اما حالا برای من مزدور کاری پیدا نمیشه، من نمی گویم که در این چند سال کار نشده، اما کار لازم صورت نگرفته است، موسسات خارجی پول های کمی را بدون مشوره دولت مصرف کرده اند و با هم با گرفتن معاش های بلند دالری دوباره به کشورهای شان انتقال داده اند. این که چرا در چند سال اخیر مشکلات اقتصادی مردم به طور لارم کاهش نیافت در این جا هم موسسات کمک کننده مقصر است، هم سکتور خصوصی، موسسات پول ها را بدون در نظر گرفتن اولویت های جامعه ما مصرف کردند و سکتور خصوصی نیز در عرصه زیر ساخت های جامعه کار لازم نکرده اند، امروز نض اقتصاد جامعه را سکتور خصوصی بدست دارد، با توریست کالاهای خارجی نمیشود، اقتصاد کشور را رنگ و رونق داد.

شناختند. کاندیداتور در کنار دروازه با چند نفر دیگر مدعوین را مشایعت میکرد و با آنها در حال خدا حافظی و مصافحه بود، نماینده خانم ها نزدیکش رفت چند تا از خانم ها را با دست بروی نشان داد. کاندیداتور به سوی همه لبخند زد و با دست روی سینه از آمدن آنها ابراز خوشی میکرد، محبوبه به داستان کاندیداتور نگاه میکرد، دستانش همچنان روی سینه پایین و بالا میرفت، کاندیداتور خودش را خم کرد، نماینده پیش و چند تا خانم بدنبال به سوی بیرون میرفت. چشمان همه بس بزرگ را میآلید، ولی بس به چشم نمیخورد، سرک خاک الود و آفتاب داغ، دل تنگی را در میان مدعوین دامن میزد، هیچ چیزی اتفاق نیفتاد، محبوبه خودش را به خواهر خوانده اش نزدیک کرد، خواهر خوانده ناراحت میخواست دشنامی حواله کاندیداتور کند، اما چشمش به نماینده افتاد، نماینده که موهایش را با انگشتان و ناخهای رنگین جابه جا میکرد، از محبوبه خواست که هر کس میتواند با تکسی و یا تونس به سوی خانه برود، پاهای محبوبه کش کش میشد، در حالیکه لبخند از چهره ها گم شده بود، همه از بدست نیابردن دالر ناراحت بودند، یکی از خانم ها با خنده همه را مخاطب ساخته گفت: سیل هم سیل است، سرگردانی هم، اگر دالر نگریم سات ما خوتر شد!

چرا صنعت پوست دوزی بازار بی مزه دارد؟



یکی از اقلام عمده صادراتی کشور ما که از دیر باز رونق خوبی داشته و در بازارهای جهانی نیز مقامی، پوست قره قل است. علاوه بر اینکه پوست قره قل به خارج کشور صادر می گردد در داخل کشوری نیز در ساختن کلاه از آن استفاده میشود. گزارشگر پامیر به خاطر آگاهی بیشتر خواننده گان به صنعت کلاه دوزی و پیشینه آن گفت و شنودی را با عبدالواسع اکریار یکی از کلاه دوزان سابقه دار کشور که این پیشه را از پدرش به ارث برده و ۵۶ سال میشود که به شغل کلاه دوزی مصروف است انجام داده که تقدیم می گردد:

س: لطفاً بگویید که استفاده از پوست قره قل چه وقت بوجود آمده و اولین کسی که کلاه قره قل را به سر کرد کی بود؟

ج: فکر میکنم صنعت قره قل در کشور ما در حدود ۵۰۰ سال قدمت دارد، این که چه کسی اولین بار کلاه پوست را به سر کرد معلومات ندارم، اما همیقندر میدانم که اولین

بار خلیفه های آن زمان استفاده کرده اند. س: کلاه قره قل چه گونه ساخته میشود و چند نوع میآید؟

ج: در ساختن کلاه قره قل از قیچی، تار، استر استفاده میشود و ما شش نوع کلاه میسازیم مثل کلاه دو منزله، کلاه فیه دار میآید. کلاه ها نظر به جنسیت فرق میکند و دو نوع پوست رایج است یکی سورا و دیگری شتری میآید که مورد علاقه مردم است. کلاه های را که ما میفروشیم از (۱۰۰۰ - ۱۰۰۰۰) افغانی قیمت دارد. اما کلاه که بسیار باارزش است کلاه نفر میآید زیرا اسرار خلدندی در پوست آن وجود دارد. مثلاً کلمه شریف، نام خداوند

محفل ادبی از سوی انجمن شاعران

و نویسنده گان برگزار گردید

بعد از ظهر چهار شنبه ۲۴ سرطان سال روان محفل ادبی معرفی گزینیه های شعری «و در لحظ های ترم باد ها» اثر حیات الله بخشی و «غاریاس» اثر شیر محمد استوار از سوی بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی وانجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان در تالار مرکز بنیاد فرهنگ دایر گردید.

محفل با تلاوت آیات کلام الله مجید آغاز یافته سپس تیمور شاه حکیمیار رییس اجراییه بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی صحبت نموده، همکاری های آن بنیاد را در عرصه های فرهنگ و ادب و تجلیل و تقدیر از فرهنگیان و قلم بدستان ابراز نموده و تدویر محافل ادبی را گام مثبتی در عرصه روشنگری فرهنگ و رشد استعداد فرهنگیان دانسته و آنرا ارزنده خواند.

متعاقباً حیات الله بخشی رییس انجمن شاعران و نویسنده گان صحبت نموده از مسؤلین تمامی مراکز علمی و فرهنگی کشور خواست تا در حصه رشد و استعداد جوانان و نسل آینده خدمت نموده و در رشد و شکوفایی فرهنگ و ادب کشور سعی بلیغ به خرج دهند.

موصوف ضمن صحبت هایش از مسوولان وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز تقاضا نموده تا تالار مرکز بین المللی مطبوعات را که مرکز تجمع و اسجام فرهنگیان و ژورنالیستان و مرجع تدویر محافل علمی و فرهنگی بود، دوباره احیا و بازسازی نمود و دروازه آنرا به روی فرهنگیان کشور هر چه زود تر بکشایند.

در بخش دوم محفل گزینیه های شعری با سرایشگران آن ها به معرفی گرفته شده و محفل با خوانش شعر و سوال و جواب اشتراک کننده گان به گرمی استقبال گردید. قابل یاد آوری است که، در این محفل ژورنالیستان آژانس اطلاعات باختر آژانس خبری پژواک، آژانس خبری روز، آژانس خبری وقت تعدادی از ژورنالیستان رسانه های آزاد کشور و تعدادی از فرهنگیان و دانشمندان کشور اشتراک نموده بودند.

محفل با بخش موسیقی، توزیع کتاب و استقبال گرم اشتراک کننده گان به پایان رسید.

دولت مصرف کرده اند و با هم با گرفتن معاش های بلند دالری دوباره به کشورهای شان انتقال داده اند. این که چرا در چند سال اخیر مشکلات اقتصادی مردم به طور لارم کاهش نیافت در این جا هم موسسات کمک کننده مقصر است، هم سکتور خصوصی، موسسات پول ها را بدون در نظر گرفتن اولویت های جامعه ما مصرف کردند و سکتور خصوصی نیز در عرصه زیر ساخت های جامعه کار لازم نکرده اند، امروز نض اقتصاد جامعه را سکتور خصوصی بدست دارد، با توریست کالاهای خارجی نمیشود، اقتصاد کشور را رنگ و رونق داد.

با اینحال من به کسی رای میدهم که در قدم نخست بتواند بیکاری را مهار کند. آنگاه دیگر کار ها خود آسان میگردد.

د لرغوني کابل نوميالی فرهنگي څيري ، دوهم ټوک

دازقي نړيوال

د لوي او بڅبونکي خداي ناپايه شکر اداکوم، چي ددي توفيق يي زما په برخه کړ ترڅو «د لرغوني کابل نوميالی فرهنگي څيري» تر عنوان لاندې «دلرغوني کابل فرهنگي څيري» اثر د دوهم ټوک په ليکلو بريالي کيرم .

ښايي وويل شي هغو درنو دوستانو چي د «لرغوني کابل فرهنگي څيره» اثر کتلي وي نو خامخا به پوهيږي چي په دي اثر کي له تقريظونو او له سريزي سريزه په څلورو څپرکوکي د هغو په اړوند برخو او تعليقاتو کي د لرغوني کابل د پس منظر، په بيلايلو دورو کي د هغه د تاريخي، ستراتيژيکي او پوځي، سياسي، اداري او د تجارتي موقعيت، د کابل ښار د گډوډونو او کوڅو او دکابل ښار د تاريخي آبيسو او د لرغونو آبداتو، د بالاحصارونو او د ديوالونو، دلرغونو سودايي سيمو او آثارو، سپيڅلو اماکو «جوماتونو» د متريکو امکانو «زيارتونو» د کابل مایيو، حرمسرابونو، د مينارونو، تاريخي څلو، د باغونو، چينو، ويالو، پلونو او په داسي يو لړ نورو موضوعگانو څيريز بحث شوي او په دي اړه د يو شمير موخونو څخه په گڼي اخيستي سره لازم معلومات وړاندې شوي دي.

زما دا کتاب دهيواد دعلمي، فرهنگي او سياسي ستر شخصيت ارواښاد محمد

دي ډول وړاندې شوي دي: څرنگه چي کابل په تيرمهال کي دسيمې ترټولو ستر فرهنگي مرکز وو زيات شمير ادیبانو، شاعرانو او تاريخ پوهانو، د کابل د فرهنگي کابليانو پر ژوند د او په عنعناتو، رسم او رواج په زړه پوري مطالب ليکلي وو نو زما هيله داده چي گران استاد رازقي نړيوال صاحب په يوه مناسبه موقع کي دي با اهميته مسئلي ته خپل پام وگرزاوو او دا اثر به لا نور غني او بډايه کړي.

تر کومه ځايه چي جوته ده د محترم فراهي صاحب پورتي نظر په رښتيا سره ددي اثر په بشپړولو او بډايه کولو کي چي د يو گټور موخه په توگه به تري د مطالعي مينه وال او د تحقيقاتو علاقمندان پوره استفاده وکړاي شي يو دوستانه او رغنده نظر وو، نو له هماغه وخته مي په کلکه وپتيله چي دغه شته ډکه کړم او ددي اثر دوهم ټوک د لرغوني کابل نوميالي فرهنگي څيري تر عنوان لاندې وليکم.

له نيکه مرغه د کابل د شاعرانو او يو شمير فرهنگيانو د معرفي کولو لپاره مي په دي تړاو ديو شمير تذکره ليکونکو او دهيواد د ادبياتو د تاريخ د ليکوالو له اثارو څخه په گڼي اخيستي سره يو لړ د اړتياوړو معلومات راټول او لازمه وگڼل شوه

چي په کونولي توگه يي ترتيب او تنظيم کړم. له دي واقعيت څخه هيڅ ډول انکار کيداي نه شي چي د کابل علمي او فرهنگي حوزه د هيواد دنورو علمي او فرهنگي حوزو په کتار کي نه يوازي د بي سارو لرغونو سيمو او شتمنيو درلودونکي ده، بلکي د فرهنگي اهميت له مخي هم د وتلي مقام څخه برخمنه ده او په دي حوزه کي چي يو مهال يي د کاپيسا، بگرام پنجشير او غوربند له سيمو څخه د ميدان وردگ او لوگر سيمي راټولي يو زيات شمير پوهان، شاعران او فرهنگيان زيږيدلي، روزل شوي او پالنه يي موندلي ده.

تلپاتي گټور اثار يي له خانونو څخه په ميراث پريښي، د شعر او ادب ډيوي يي بلي ساتلي او د خپل نومياليتوب لوړو مدارجو ته ورپورته شوي دي، خو ددي موضوع يادونه هم ضروري گڼل کيږي چي د هيواد دنورو علمي او فرهنگي حوزو لکه هرات، بلخ، غزني، بدخشان او داسي نورو حوزو غوندي د کابل د حوزي د شعر او ادب تاريخ د هغو په پرتله دومره اوږده سابقه نه لري، مبدايي او تکاملي دورې يي څه وروسته پيل شوي دي. همدارنگه ددي ټکي يادونه هم ضروري ده چي په افغانستان کي آن دويدي او اوسيايي دورو راوروسته د ټولني ديو روښان فکره، روحاني، لارښوونکي او مدبرقشر په توگه شاعران او ادیبان د ريشيانو په صفت رامنځته شوي دي.

تاورتيخوالی د ټولني او کورني هر غړي زيانمن کوی

راز راز کړ کيچونو سره مخ او غړي يي تل وروسته پاتي او ناروغ وي. زموږ په نني ټولنه کي دغه ناوړه عمل له پخوا څخه په ميراث راپاتي شوي دا ځکه چي داسي يوه اداره نشته د ه چي ددغي ستونزي په له منځه وړلو کي کار وکړي او دزيان په اړه يي دخلکو ذهنونه روښانه کړي او که داسي يوه اداره وي هم خو کره وړه او فعاليتونه يي د پام وړ ندي. په هره ټولنه کي چي د خلکو اقتصاد کمزوري وي، خلکو ته د کار کولو شرايط نه وي برابر او يا خو نوري ټولنيزي ستونزي د دوي په وړاندې پرتي وي او يا خو د کورني مشران له ښووده کړو څخه يي برخي پاتي شوي وي، نو هلته کي راز راز تاوتریخوالي موجود وي.

څرنگه چي ښکاري زموږ د ټولني په ډيرو کورنيو کي دغه ستونزه شته ده، دا ځکه چي په هيواد کي تيرو جگړو خلک له بيلايلو کړاونو سره مخ کړي. کار کول د هر انسان حق دي هغه که تر وي او يا ښځه دا حق لري چي له کور څخه بهر کار وکړي، خو څرنگه چي ښکاري زموږ په هيواد کي شته داسي کورني چي ښځو ته له کور څخه د باندې کارکول شرم بولي او نه غواړي چي ښځي يي له کور څخه بهر کاروکړي په داسي حال کي چي ښځو يي لوړي زده کړي هم کړي چي داهم يو ډول تاوتریخوالي بلل کيږي. په لس ډول ويلاي شو چي زموږ په ټولنه او هره کورني کي د تاوتریخوالي د شتون لامل د کمزوري اقتصاد شتون او ددغي ستونزي د له منځه وړلو په لاره کي د اړوندو ادارو او سازمانونو نه پاملرنه ده که چيري د خلکو اقتصاد پياوړي وي او په ورځني ژوند کي يي ستونزي نه وي او همدا شان اړونده اداري د تاوتریخوالي د زيان په اړه خلکو ته معلومات ورکړي او هغوي دي ته اړ کړي ترڅو دخپلي کورني په وړاندې له تاوتریخوالي څخه ډډه وکړي، نو له شک پرته به دغه ستونزه تر ډيره حده پوري لسري او دټولني او کورني هر غړي به سوکاله او آرامه ژوند ولري.

يوه ټولنه او يوه کورني هغه مهال سوکاله او آرامه کيداي شي چي هلته کي هيڅ راز تاوتریخوالي موجودنوي چي ددا شان ټولني او کورني غړي تل سالم ، روغ او د ښي ښووني او روزني خاوندان گڼل کيږي.

خو له بده مرغه چي زموږ ټولنه يوه له هغو څخه شميرل کيږي کوم چي دغه ناوړه عمل تر ډير حده پوري پکي ليدل کيږي. شته داسي کورني چي نن ورځ پکي هر راز تاوتریخوالي لکه د ښځو وهل، ډبول او په کورونو کي د هغوي ساتل او همدا شان د ماشومانو په وړاندې هم له ناوړه تاوتریخوالي څخه کار اخيستل کيږي چي بيا وروسته د دا شان ټولني او کورني فضا له

مکوه نازونه!

رقاء احمدزی

_____تا په باغچه کې سره گلاب راييل گلونه باغوانه

_____مکوه نازونه باغوانه

_____مکوه نازونه باغوانه پرې ميږده لاسونه باغوانه

_____دومره _____سي پرېره چي غنچه کړم سره گلونه باغوانه

_____مکوه نازونه باغوانه

_____روغ مي پخپل باغ کړه باغوانه، مور مي په وصال کړه باغوانه

_____زه پروانه ستا ښه ته خم خان مي سيزمه باغوانه _____

_____مکوه نازونه باغوانه

_____گل له پاسه گل ډډه باغوانه، ژپ اوسره سبل ډډه باغوانه

_____ورځمي وږمي شمال چلېږي پاس په زړونه باغوانه

_____مکونه نازونه باغوانه

_____بلبلان راږوي په گلونو باغوانه، ناري فرياد او اوازونه باغوانه

_____سيي نيولي سور انار باغچي گل _____ونه باغوانه

_____مکوه نازونه باغوانه

آيا ميدانيد ؟

وېدا

صرف ۲۵۰ دانه کيله بعد ازغذا: پادشاه گجرات علاوه به صرف غذا هر روز ۲۵۰ دانه کيله را نوش جان ميکرد.

همچنان یک امريکايي که ۸۸ سال دارد روزانه ۲۵ دانه تخم مرغ را تناول ميکند ولی تا حال در کلسترول خون او افزايش بعمل نيامده است .

داکترخانواده گي او نظر داده که بدن اين مرد ۸۸ ساله باچنين خوراک عادت کرده و روده هاش تنها ۱۸ فيصد کلسترول را جذب ميکند . وی می افزايد که در ۱۳ سال تجربه طباشش يگانه انسان را می بيند که دارای قوی ترين کيسه صفرا ميشد .

پر خوری بیش از حد:

یک پهلوان ۲۸ ساله جاپانی امريکايي نژاد بنام (کونی شيکی) که ۷۵۴ پوند وزن دارد، برابر وزن خانم خود که ۱۲۱ پوند وزن دارد ناشتا می خورد.

مردم امريکا وی را بنام ترک ياد می نمايند . موصوف در پهلوانی نوع سومو هميشه پيښورنده است چونکه وی جاپانی نيست ، مورد علاقه جاپانی ها نميباشد ،امکان گرفتن امتياز قهرمانی برايش کمتر است .

شخصی که از شکم ماهی زنده برآمد:

درفروری (۱۸۹۱م) ملاحی حمز پارتلی هنگام شکار ماهی (وهيل) به بحر افتاد وماهی وهيل او را بلعيد در همان حال ماهی وهيل در نتیجه جراحات ماهی بسیار عميق بود به مرگ ماهی انجاميد و ماهی روی آب آمد . ملاحان جگر ومعه او را بيرون آوردند و در اينحال مشاهده کردند که در بين معده اوچيزی حرکت ميکند داکتر موجود در کشتی با مهارت خاص معده ماهی را دريد و از بين آن حميز پارتلی ملاح بيرون شد که در حال بيهوشی بر ميبرد . اين مرد بعد از دو هفته دو باره صحت ياب شد .

برخی هتلهای شهر، پول بیشتر می ستانند اما نظم کمتر دارند آیا نمیشود جلو مصارف بیجا در هتلهای گرفته شود؟

الطاف

در شهریکه مازیسست داریم کار هتلداری بسیار چوک است و برخی ز اینها به نام های مختلف از محفلدازان پول می ستانند، اما خدمات هتلداری شان در حد اعظمی ضعیف است. اگر مسله سیالی و شریکی وهم چشمی نباشد، بهتر است بجای راه اندازی محافل در لوکس ترین هتلهای شهر در هتلهای که چند نام و نشانی ندارد واز هر حیث مناسبت است صورت گیرد. طور مثال یک هتل لوکس از فی خوراک غذا برای یکتفر مهمان از ۴۰۰-۹۰۰ افغانی می ستاند، اما هتلهای عادی در دوصد افغانی مهمان میدیرد. بینیم که تفاوت تا چی حدی است، هتلهای لوکس غذای شب را تا ساعت ۱۰-۱۱ شب توزیع ویا به اصطلاح خودشان سرویس مینمایند و هتلهای عادی هشت شب، هتلهای لوکس افلام غیر ضروری را در میبوی شان گنجانیده واز اینطریق بر مفاد شان افروود مینمایند، هتلهای عادی و مناسب حال مردم از ترتیب میوههای غیر ضروری که به ضرر محفلداران ویا مهمانداران میاشد احتاب ورزیده واز مهمانان پذیرایی درست مینمایند. چند شب قبل در یکی از هتلهای شهر که همواره و هر شب اعلان آن از طریق تلویزیون های خصوصی بدست نشر سپرده می شود در محفل خوشی یکی از دوستان شرکت ورزیدیم، زمانیکه عقب میزها جا گرفتیم در کنار اینکه جگ های آب سرد موجود بود، بوتلهای آب معدنی را نیز بعداز دقایقی بالای میزها توزیع نمودند، به تعقیب آن بوتلهای نوشابه رسید و ساعات بعد سوپ که اصلاً هیچ به سوپ نمی ماند توزیع کرده که آدم

های چالاک توانستند از آن استفاده نمایند و مانند من افراد شرموک از نوش جان کردن آن محروم ماندند، به هر صورت ساعت ها گذشت، یک ساعت دوساعت، از هر طرف صدا بلند می شد که نیمه های شب شد چرا از نان خیزی نیست سر انجام ده ونیم شب توزیع نان را آغاز نمودند و من که با تعدادی از دوستان در گوشه یی آرام گرفته بودیم به ساعت بارده شب به دیدن غوری های نان چشم های ما روشن شد با عجله غذا را صرف نمودیم و کوشش کردیم تا عاجلتر به سوی خانه حرکت نمایم، هنگام خروج از هتل تعدادی ریادی را متظر تکسی های شهری دیدیم که چند نفر آن از گرانی کرایه نکسی شکوه سرداده بودند، تکسی ران بار، بار اصرار می کرد که کسایکه اینقدر شوقی اند و تانیمه های شب در محافل تماشای رقص ویا یکوبی مینمایند محبور هستند که پول کرایه را بیشتر پردازند، حال اینکه تازه نان صرف نموده بودند. خوب از یکطرف مخارج بی جا و غیر ضروری واز طرف دیگر تکلیف مهمانان که بجای خوشی هر یک مایوسانه بخانه های شان برمی گردند چی چیزی را تعیر می کبند؟ با مشاهده این حالت با خود گفتم نمیشود مسوولین برای توزیع ویا سرویس غذا وقت معین را تعین نمایند و میتو از یک ودو نوع تجاوز نمایند تا از یکطرف هزینه های بشمار صرف این کار کاهش شده باشد واز جایی وطنداران ما مکلف به پذیرش این رسوم پرمصرف و خرافاتی نبوده باشند، به امید آنکه ارگانهای مسوول در زمینه داخل اقدام شده و جدیتر عمل نمایند.

رسم و رواج ها با مصارف بیشتر کمر شهریان را خمیده تر ساخته است

سمیر

از سالیان قدیم افغانها رسم و رواج های بخصوص از خود را داشته که بعد از درگیری ها، مهاجرت ها و برگشت دوباره مهاجرین به کشور یک سلسله رسوم و عیادت دیگر با رسم و رواج های سابقه پیوند داده که برخی از رسوم از یکطرف با فرهنگ افغانی سازگار سوده از سوی باعث برهم زدن اقتصاد خانواده ها شده است. حال بیشترین هموطنان ما در کنار برگذاری محافل عروسی و شیری خوری محافل ختہ سوری، شب شش، تخت جمعی و حتی ختم های قرآن عظیم الشان را در لوکس ترین هتلهای با مصارف بسیار گزاف راه اندازی مینمایند که بدون شک این کار باعث آن میشود که هموطنان بی بضاعت ما هم به هر شکلی که باشد به اصطلاح رسم هم چشمی را بجا آورند. بیشترین پسران و دختران شهر و دیار ما نسبت چنین مشکلات حتی قادر به ازدواج نشده و برای بدست آوردن پول مخارج عروسی مجبور اند به هر شکلی

که باشد راه دستیابی به مصارف را جستجو ویا اینکه بعد از عروسی تا مدت طولانی مقروض دوستان باشند. از اینرو ضرور است تا در مقابل اینگونه فساد دست به مبارزه زده و باید هر فامیل از خود آغاز نماید، وکلای گذر و ملامامان درین راستا از همه مسوولیت بیشتر دارند تا با موکلین و مقتدیان شان موضوع را در میان گذاشته و به هر شکلی که باشد مانع رسم و رواج های غیر ضروری و کمر شکن که اقتصاد فامیل ها را برهم و درهم میسازد جلو گیری نموده و دین وطنی شان را در مقابل وطن و اولاد وطن ادا نمایند.

چرا پای نظم می لنگد!

پرونده

حریان ترافیک برهم بخورد. ولی بارهم بسیاری از راننده ها هیچگونه اعتنایی به اشاره هانمی نماید. با اینگونه بی تفاوتی ها وجود سری ها آبا میشود به نظم مطمئن دست یافت؟

درحالی که مردم تاملین کننده نظم و شکنده نظم در شهر اند، هر گاه نظم و آداب شهری را رعایت کنیم، این همه دشواریهای که با آن مواجه هستیم از میان برداشته میشود.



معرفی کتاب: صحبت های مغاره نشینان

صحبت های مغاره نشینان مجموعه ای از نوشته های طبری و انتقادی، نویسنده جوان مصطفی عمرزی است که در این تازه گیها از سوی انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان اقبال چاپ یافته است. این مجموعه نوشته های انتقادی، با مقدمه از خود نویسنده آغاز یافته و دارای سی و دو مضمون بوده و حاوی هفتاد صفحه میباشد. **ادامه صفحه ۷**



بی نظمی هم در دجانگاهی است که هنوز سیه ملتبه دارد گرچه تلاشهایی از سوی نهاد های عرصه کننده خدمات شهری انجام می پذیرد، اما هنوز هم به اصطلاح پای نظم می لنگد.

ایکه چرا نهود شاید و باید در شهر به میان نمی آید و راه بیرون رفت از آن درجه است، حیر نگار بامبر اینبار گشت و گزارداشته به نفاط مردمحم شهر و خواسته است از ریان شهریان دلیل مشکل را بشنود و راه بیرون رفت آرایداند.

احمد شعیب محصل پوهنتون کابل میگوید: رنده گی شهری بر سبای فرهنگ شهری ایستاده است، هر شهروند در محیطی که

زنده گی میکند، مکلفیت ها، و حایب و مسوولیت های دارد، که با گزیر است باید آن را در نظر داشته و عملی نماید. اما با تأسف که جنگهای سه دهه گذشته بسیاری از ارزش های معنوی ما را صدمه زد و یا هم از ما گرفت و حال اکثرآ در یک نوع بلاتکلیفی بسر میسریم و در بسیاری موارد مراجع و نهاد های دولتی را مسوول پیشرد مسائل شهری میدانیم و خود در غندی خیر چار رانو زده ایم. طور مثال یکی از ارزشهای گرانبهایی که در سین افغانها جایگاه قائم داشت و هر کس خود را به ادای آن مکلف میدانست، راه اندازی کارهای همگانی، تساند و همکاری با یکدیگر، سهم گیری در رفع مشکلات محلی و محیطی و کمک با یکدیگر بود. بسیاری کارها و مشکلات محلی و محیطی توسط مردم رفع میشد و یساهم مردم خود در تسامین نظم شهری و اجتماعی سهم میگرفتند. اما حالا چنین است؟ کی میتواند پاسخ دهد؟

به گونه مثال، سه و یا چار سال پیش در همین دور، و پیش پارک زرنگار در پیاده رو ها، عابرین از حاشیه سرک های عمومی استفاده می کردند. در آن زمان اگر پرسشی به میان میامد، نوحی وجود داشت. اما حال ببینید، پیاده رو ها کاملاً بروی عابرین باز بوده و در اطراف سرک نیز کتاره های فلزی افراز شده است، اما بارهم برخی ارزشریان به جای پیاده رو از حاشیه سرک استفاده می کنند که این عمل اگر یکطرف نظم شکنی تلقی میشود و از سوی دیگر میتواند جریان ترافیک را اخلال کند و یا هم حادثه یی اتفاق بیفتد، و یا در جای دیگر در این اواخر اشاره های ترافیکی در برخی از جاده های شهر نصب گردیده که هر راننده باید مطابق آن عمل نماید تا



اطلاعیه های شاروالی کابل

کلب بلیارد دهلیز سینما پارک واقع شهر نوبه اجاره داده میشود، اشخاصیکه خواهش به اجاره گرفتن انرا بطور قرار داد داشته باشند، درخواست های خویشرا از نشر اعلان الی ختم ده روز بریاست خدمات کلتوری شاروالی کابل سپرده، شرطنامه را حاصل، افرهای خویشرا ارایه و خودشان بروز افرگشایی حاضر گردند تضمین نقداً اخذ میگردد.

xxx

به اطلاع آمده از افراد و اشخاصیکه خانه های شان در مسیر سرک شصت متره قلعه زمانخان قرار گرفته رسانیده میشود که الی مدت ده یوم منازل شان را تخلیه نمایند، در غیر آن منازل شان تخریب گردیده، آنگاه حق شکایت را ندارند.

xxx

به اطلاع تمام شهروندان محترم که در پروژه شمال میدان هوایی به هر شکل که نمره زمین رهایی اخذ نموده رسانیده میشود تا لطفاً با اسناد مکمل دست داشته شان بریاست ملکیت های شاروالی کابل تشریف آورده جهت حل و فصل امورات مربوط به زمین شان تفاهم بعمل آرند تا زمینه برای تحقق پروژه آماده گردد.

xxx

شاروالی کابل به تعقیب اطلاعیه های قبلی خویش یکبار دیگر به اطلاع عموم مالکین جایداد های ساحه نوآباد پلچرخ شامل ساحه فارم مرغ داری و اطراف آن میرساند که شاروالی کابل پلان تفصیلی ساحه متذکره را ترتیب نموده و آماده تطبیق در ساحه میباشد چنانچه یکتعداد نمرات در ساحه خط اندازی نیز گردیده است، بنا به اطلاع آنکده مالکین محترم که در ساحه متذکره جایداد دارند رسانیده میشود تا با اسناد بنیادی و شرعی شان غرض طی مراحل پروسه استملاک بریاست استملاک مراجعه نمایند در غیر آن پلان در ساحه تطبیق میگردد، آنگاه حق شکایت را ندارند.

صحبت های ...

این مجموعه نخستین اثر نویسنده میباشد که آثار دیگری نیز در خصوص طنزها و انتقادهای آماده چاپ دارد.

مصطفی عمرزی فرزند مرحوم دگروال داکتر فمرالدین اکسیری صابی، در سال ۱۳۵۹ هـ ش در شهر زیبای کابل دیده به جهان گشوده است. تعلیمات خود را از صنف اول تا صنف دوازدهم در لیسه عالی استقلال دنبال نموده و در سال ۱۳۸۲ از دیپارتمنت رادیو تلویزیون پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون کابل به سوبه لیسانس فارغ گردیده است.

عمرزی در سال ۱۳۸۳ عضویت شورای عالی مرکزی انجمن شاعران و نویسندگان و در سال ۱۳۸۴ عضویت شورای عالی مرکزی اتحادیه ملی ژورنالیستان و خبرنگاران را کسب نموده است.

در سال ۱۳۸۶ تقدیرنامه را از سوی مجمع صلح افغانستان به پاس تلاش و شایسته گی در فعالیت های خبرنگاری به دست آورد. موصوف عملاً در بخش های خبرنگاری در تلویزیون های (یک) و تلویزیون نورین فعالیت نموده است و فعلاً مدیر مسوول هفته نامه قلم ارگان نشراتی انجمن شاعران و نویسندگان افغانستان میباشد.

کتاب صحبت های مغاره نشینان گام موفق در عرصه طنز نویسی وی شمرده و الگوی برای علاقه مندان و ذوق مندان طنز و طنز نگاری دانسته میشود.

برای موصوف توفیق بیشتر خواسته، قلم او را در راستای روشنگری جامعه از طریق طنزهای رسا و پرثمر خواهانیم. نبی الله نبی زاده

لوحة های جاده های که نامگذاری گردیده است ...

آقای صاحبی شاروال کابل گفت: در آینده نزدیک لوحة های جاده ها و مناطق نامگذاری شده تهیه و نصب میگردد. گفتنیست مناطق که جدیداً نامگذاری شده و لوحة های آن آماده میشود عبارت است از پروژه های وزیر آباد پروان سوم، شهر نو و شهرارا که قبلاً از سوی کمیسیون به تصویب رسیده است.

جوړونکی وړاندیز تر بی خایه نیوکو ...

ونډه واخلي، تر څو له یوې خوا له ښاروالی سره مرسته او له بلې خوا به د خپلو مینو او ګټورو تبلیغونو سره د ښاري ستونزو په له منځه وړلو کې خپل مسوولیت پرځای کړي. له دې پرته به په واقعیتونو او تر سره شویو کارونو سترګې پټول ددانشان رسنیو اعتبار زیانمن کړي. نو راځي چې مونږ ټول د مسوولیت په درک کولو سره د ښاري ستونزو په له منځه وړلو کې د ښاروالی تر څنګ و درېږو او د خپل ښار په آبادی او سمورتیا کې په صداقت او ایمانداري سره ونډه واخلو. دلوسز

د ښاري فرهنگ په بیا راژوندي ...

نو، ددغو ستونزو خواب دادي، چې په لمړي سر کې که چیرې دهرې کورني یو غړي هم په ښار کې ښاري فرهنگ په پام کې ونیسي او له هغه څه ډډه وکړي کوم چې د ښار دککړتیا، ناولیتا او په ښار کې د ګډوډیو او بی نظمیو لامل ګرځي. نو کیدای شي چې تر یوه حده پورې ستونزي را کمې شي. دوهم داچې نن د ټول هیواد په کچه دشلو په شاو خواکي تلویزیوني چینلونه او په سلګوني چاپي او اوریدونکي رسني په فعالیت لګیادي، که چیرې دغه رسني په اوني کې یو مطلوب د ښاري فرهنگ دکتبو په هکله خپلو هیواد والو په تیره بیا کابل ښارنو ته خپور کړي، نو دا کار هم کیدای شي چې د ښاري فرهنگ په بیا راژوندي کولو کې مثبتې اغیزې ولري. خو څرنګه چې لیدل کېږي له دغو رسنیو څخه د ګوتو په شمار یې د ښاري فرهنگ او د ښار دپاکوالي په هکله کله نا کله څه نشرته سپاري، خو پاتې نور یې ددې پر ځای چې د ښاري فرهنگ د بد ایني او له ښار څخه دستونزو د له منځه وړلو د لارو چارو د لټون په هکله خپلو هیوادوالو ته یوڅه وړاندې کړي تر څو دهغو ښاریانو کوم چې ښاري فرهنگ ته پاملرنه نکوي او یا خو په دې نه پوهیږي چې ښاري فرهنگ یعنی څه؟ ذهن یې روښانه او د ښاري فرهنگ له ښیګڼو او ګټو څخه هغوي خبر کړي. یا خو ښاروالی تر نیوکولاندي ښي او یا خو پر دې فرهنگ چې له هیڅ پلوه ددې هیواد له فرهنگ سره اړخ نلګوي په تبلیغ کولو لګیا دي. نو ښه به داوي تر څو دا شان رسني د ښاري فرهنگ بډایني په موخه خلکو ته دا څرګند کړي چې ښاري فرهنگ څه ګټه لري او څه ته وایي، تر څو مو ښار له راولاړو ستونزو څخه خلاصون ومومي.

مال گدام ها عنقریب از ...

۴- مدیریت تثبیت جرایم:

جریمه ویا مسدود نمودن اصناف متخلف به اساس راپورهای مدیریت کنترلران و غیره شکایات که مواصلت میوزد.

۵- مدیریت تحریرات:

رسیده گی به امورات اداری، تهیه گزارشات، تدویر جلسات و غیره مربوط به مقام ریاست تنظیم مارکیتها.

س- بعداز فرمان شورای محترم وزیران که بخاطر کاهش آلوده گی هوا تدویر گردیده بود شاروالی کابل بخصوص ریاست تنظیم مارکیتها کارهایی را انجام داده است؟

ج- بخاطر کاهش آلوده گی هوا بناسی از فرمان شورای محترم وزیران به ریاست تنظیم مارکیتها بعداز جلسه که تحت ریاست جناب شاروال صاحب کابل در مقر شاروالی کابل تدویر گردیده بود با تمام خبازی ها و حمام های شهر کابل چندین بار جلسات و تماس های نزدیک برقرار گردیده واز نزد هر کدام شان استحضاری اخذ گردیده است که از سوختاندن مواد سوختی دودی استفاده نکنند و به تعداد ۷۳۰ باب خبازی فعلاً از مواد سوختی گاز استفاده می کنند و همچنان به تعداد ۲۵ باب حمام در عوض استفاده از چوب از ذغال استفاده می کنند و بخاطر جلوگیری از داش های خشت پزی نیز به نواحی مربوط رسماً موضوع کتبا اخبار گردیده است.

س- بعداز اینکه بازار آزاد از طرف دولت اعلان گردید مسوولیت ریاست تنظیم مارکیتها در قبال کنترل مواد ارتزاقی، وزن نان و قیمت گوشت و موضوعات دیگر مربوط به ریاست شما چه بوده است؟

ج- قرار مصوبه شماره ۳ مورخ ۱۳۸۵/۳/۱ شورای محترم وزیران توزیع نرخنامه از شاروالی کابل گرفته شد و در مصوبه متذکره آمده است که شاروالی کابل وظیفه دارد تا منجیت مالک شهر با ارگانهای ذبیربط از کیفیت مواد خوراکی و استهلاکی کنترل نماید.

به همین منظور نام ریاست کنترل قیم به نام ریاست تنظیم مارکیتها تعدیل گردید که بعداً به اساس شکایات هموطنان در حالیکه کنترل از مواد ارتزاقی بعد از مصوبه شورای محترم وزیران از صلاحیت این ریاست نبوده بارها از طریق رسانه های جمعی از قیمت مواد در شهر انعکاس داده شده که به همین منظور با همکاری با اتحادیه ملی پیشه وران صنف خبازان، قصابان و روغن فروشان جلسه یی تحت ریاست شاروال صاحب کابل تدویر گردید که بعد از جروبحث های زیاد نرخنامه جدید تعیین و برای نواحی توزیع گردید و بخاطر تطبیق نرخنامه ها نیز کنترلران این اداره موظف اند تا از آن طور جدی مراقبت نمایند و گزارش شانرا به این اداره ارایه بدارند.

س- قسمیکه از طریق سرویس های خبری به سمع همشهریان رسانیده شد که شاروالی کابل در نظر دارد تا مال گدام هایکه در ناحیه اول فعالیت دارند در چهار دروازه دخولی شهر کابل به همکاری مستقیم ریاست تنظیم مارکیتها انتقال داده شود پس اگر بگویند که تا حال چه اقداماتی در مورد صورت گرفته است؟

ج- در مورد انتقال مال گدام ها از داخل شهر به مارکیت های بزرگ که در چهار دروازه شهر کابل اعمار گردیده است، اطلاعیه های یی هم به نشر رسیده است تا تجار، اموال شان را در مارکیت های چهار دروازه شهر تخلیه نمایند. اخیراً فیصله جلسه کمیسیون هماهنگی نیز مواصلت ورزیده است که از داخل شدن موترهای دارای توناز بلند به مال گدام های مرکزی شهر جلوگیری بعمل آید و اموال تجار به مارکیت های متذکره شهر تخلیه گردد و همچنان بخاطر تامین امنیت مال گدام ها به کمیته ۶۰ نفر افسر و سرپاژ با وزارت محترم امور داخله عقد پروتوکول گردیده است که در همین نزدیکی ها این پروسه عملی خواهد شد.

PAMIR

Kabul City Newspaper Established 1951

تحت نظر هیت تحریر

پامیر از مقالات و آثار ارسالی شما استقبال میکند.
پامیر در رد یا قبول، ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
پامیر مسوولیت مقالات را به عهده نویسندگان آن میگذارد.
آدرس: مرکز شاروالی کابل
اشتراک سالانه مبلغ (۴۰۰) افغانی، برای متعلمین و محصلین نصف قیمت.
چاپ: مطبعه سپین زر میلاد

رئیس و مدیر مسوول:

محمد اسحق «صمدی»
موبایل: ۰۷۷۱۵۳۵۹۰ / ۰۷۰۰۲۲۲۳۱۴
دبیرتال: ۲۱۰۱۳۵۸
معاون و سکرتر مسوول:
سید مقصود «هوفیانی»
موبایل: ۰۷۹۹۲۱۶۲۵۹
دبیرتال: ۰۷۵۲۰۰۳۹۱۲

جوړونکی وړاندیز تر ېې ځایه نیوکو غوره وي

ډیرې وختونه لیدل کېږي چې ځینې خصوصي زښي او یو شمېر ښاریان پرته له دې چې په واقعیتونو ځان پوه کړي او د یوه شخص یا یوې ادارې له خوا تر سره شوي کارونه له لږدې و گوري او همداشان د اړوندې ادارې ټول امکانات و څیړي ، نېغ په نېغه یو شخص پایوه اداره تر خپلو ېې ځایه او غورسالمونکو لاندې یسې او وایې چې کولای شمېر د فلاني شخص یا فلاني اداره د خپلو کارونو په ترسره کولو کې پاتې راغلي، حال دا چې واقعیت به بل ډول وي . کابل ښاروالی پوه له هغو دولتي ادارو څخه ده چې دنده او مسوولیت یې ښار او ښاریانوته خدمت کولو او داسانیا وو رامنځته کول دي چې تر اوسه په دې توگندې تر څو په خپلو لرو امکاناتو سره د پام وړ کارونه تر سره کړي ، که نن ورځ د ښار هر یو برخه نه څیر شو نو یوه گورو چې د ښاروالی کارکوونکي هرې خواته یا خود سر کونو ، و پالو او نور سیمو په پاکولو لگیاوي او یا خو د ښار دسړ کونو په جوړولو او پراخولو بوخت وي . همدا اوس که و گورو نو په ښار کې ډیرې ځایونه د گړخندو پلورونکو له ولکسي څخه پاکې شوي او یا خويي د پاکولو پلانونه جوړ شوي دا منو چې روغي او پسر ځای لیکي د ټولې د اصلاح لپاره گټورې پامللي لري او کیدای شي چې یوه ټوله او یا یو شخص د اصلاح لوري ته بوخي ، خو دا چې ځینې زښي او یا ځینې ښاریان د ځینو شخصي اغراضو له کبله دغه خدمتي اداره په داسې حال کې چې په ښار کې د نظم، پاکوالي او سمسورتیا په موخه خپلو نه ستړي کیدونکو هلوځلو ته یې گړندې توب ورکړي ، تر خپلو لیکو لاندې یسې چې په حقیقت کې دا په واقعیتونو سترگي پټول دي . نوسه به دا وي چې ښاریان د خپلو ېې ځایه نیوکو پرځای په خپلو جوړونکو او گورو وړاندیزونو سره د ښاري سورتو په لري کولو کې له ښاروالی سره مرسته و کړي او خپل مسوولیت پرځای کړي، همداشان رسنیو په تیره یا هغه شمېر تلویزیونونه چې د کابل ښاروالی له خوا په تر سره شويو کارونو او دهغي کاري فعالیتونو باندې یې سترگي پټې کړي، پکار ده تر څو د ښاریانو د ذهنونو په روسانه کولو او د ښاري فرهنگ په تبلیغ او رواحولو کې پاتې ۷ مخ

نگرانی وناامیدی مارا به کجا میبرد؟

آیا میدانیم که چشم و نگرانی گاهی در ذهن و قلب ما خانه می کند و زندگی ما را با چه خطراتی مواجه میسازد؟
آیا بهتر نیست به جای اینهمه واکنش های منفی و انفعالی ، قدرت عمل را در دست بگیریم و هر واکنش خود را به یک عمل مثبت و موثر توجیه کنیم؟
آیا بهترین راه استفاده از ناامیدی اینست که تسلیم شویم و میدان را واگذار نماییم ، بلکه بهترین نحوه استفاده و برخورد با آن، همه آنها را فراموش کنیم و چیز واهی و پیش پا افتاده تلقی کنیم؟
بیا یاد تصمیم بگیریم که اریس به بعد چیز های منفی زندگی را که جلوی مارا می گیرند و مارا از حرکت به پیش متوقف میسازند از پیش رو برداریم
بیا یاد تمام حوادث و اتفاقات زنده گی خود را به یک واکنش مثبت ترجمه کنیم و با این کار فرهنگ و لغت جدیدی برای خود سازیم ، زیرا هیچ ارزشی و امتیازی در ناامیدی وجود ندارد و هیچکس دلش برای یک انسان نا امید نمی سوزد . پیروزی و توانایی ما در این است که ما اگر چیزی را از دست دادیم ، برای بدست آوردن چیز دیگری تلاش کنیم نه اینکه دست زبر الاشه بشینیم .

حق شهروندی را ادا کنیم! بیا یاد با مسوولیت عمل کنیم!

ما یک شهروند هستیم ، در جایی زنده گی می کنیم که به خود ما تعلق دارد، از آب و هوای آن نفس می کشیم ، از همه پیداوار آن مستفید می گردیم ، در آنجا کار می کنیم که شب و روز ما سیری می شود. از همه حقوق آن بهره مند هستیم . خود را مستحق تمام دارو ښار آن میدانیم ، می خواهیم هر گونه امتیازی که سراغ شود ، آنرا بدست آوریم و از آن سود و نمری را صاحب شویم.
اینها همه خواسته های طبیعی ما هستند ، مگر آیا ما در مقابل این خواست آماده ، بهایی و مسردی و پاداشی و زحمتی را برای پرداختن هم داریم ؟ آیا خود را مکلف می بینیم که دیگران از ما چه می خواهند ؟ چه کارهایی را انجام بدهیم ، چه وظایف و مکلفیت هایی برای خود در نظر بگیریم ، در برابر اینهمه گرفتن ها چه چیزی را واپس تحویل میدهیم ؟ آیا ما حق شهروندی خود را در برابر همسایه خود ، کوجه خود ، سرکی را که عبور می کنیم ، درختی که هوایش را نفس می نمایم و آبی را که می نوشیم ادا کرده ایم ، آیا آن کوجه را کیف نمی سازیم ، شاخه آن درخت را نمی شکانیم ، آن آب را که نوشیده ایم و بازمی نوشیم خت و گل آلود نمی سازیم ، همه اینها وظایفی است که ما به عنوان شهروند و یک همشهری در ایفای آن مسوولیت داریم .
رسایم



ایمیل	تلفون	روزهای پرواز	سکتور ها
urcstfg@flyariana.com	+96 991 620 2498	چهار شنبه	کابل ارومچ
arianaturkey@aryaturizm.com	+90 533 771 9277	دوشنبه - جمعه	کابل استانبول
arianaturkey@aryaturizm.com	+90 533 771 9277	جمعه	کابل انقره
Arianastation_tehran@yahoo.com	+98 912 371 5953	جمعه	کابل تهران
Jedxtfg@gmail.com	+965 26 761 541-2	یکشنبه - پنجشنبه	کابل جده
delhi@flyariana.com	+91 981 073 3394	یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه	کابل دهلی
flyarianaduba@eisaatravels.com	+971-508 410 864	همه روزه	کابل دبی
Pmohammeds@elaf-riyadh.com	+966 561 262 729	سه شنبه	کابل ریاض
azita.baseem@flyariana.com	+49 694 844 993 91	دوشنبه	کابل فرانکفورت
zaminnaqvi@hotmail.com	+96 565 234 10	شنبه	کابل کویت
arianamoscow@mail.ru	+74 957 726 383	دوشنبه	کابل مسکو
Najib7862002@yahoo.com	+99 4502060249	دوشنبه	کابل پاکو
Arianastation_mashhad@yahoo.com	+98 511 852 7709	یکشنبه	کابل مشهد
ariana@dubai@yahoo.com	+99 293 500 5950	شنبه	کابل دوشنبه
isb_szn_flyariana@yahoo.com	+92 333 5727 692	یکشنبه	کابل اسلام آباد

گفتند:
گفتم:
گفتند: عمله تطیف ښاروالی باز اذرو و دیوار دریای کابل به بستر دریا ریختند ، تا دریا را جاروب بکنند و کثافات ، زباله ها و مواد اضافی را بیرون کنند و به محل دفن کثافات در بیرون شهر انتقال دهند. معلوم نیست که چه وقت دریای کابل از لوث کثافات و پاپاکی ها در امان خواهد ماند!
گفتم: در شهر ما هم فرهنگ شهر نشینی ما در بی هوشی به سر میبرد و هم مجازات تطیفی وجود ندارد . با اینحال آیا میتوان شاهد پاک بودن بستر دریای کابل بود ؟ که نه !

Advertising

KaPUL Advertising provides Digital and Offset printing services for corporate and private clients, aiming to produce all types of publication at competitive price on timely manner

Outdoor services:

- Billboard
- Branding of building
- Pole signs
- Mail stone boards
- Banners

Our Printing Solutions Include:

- Digital printing
- Flex printing
- Vinyl printing
- One way vision
- Sticker
- Backlit
- Frontlite
- Photo paper
- Etc
- Offset
- Brochure
- Poster
- Stickers
- Business cards
- Calendar
- Backlite
- flyers
- Etc

Mobile # +93 (0) 707 155 159
Email: sales@kapulgroup.com
www.kapulgroup.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**